

بیانیه عمومی

شماره ایندکس: MDE 13/3032/2020

پرسش و پاسخ پیرامون نقش نخست وزیر سابق ایران در کارزار انکار و تحریف حقایق کشتار ۶۷

۹ سپتامبر ۲۰۲۰ - ۱۹ شهریور ۱۳۹۹

توجه عمومی مجدد به یک «فراخوان اقدام فوری» تاریخی سازمان عفو بین‌الملل که در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۶۷ (۱۶ اوت ۱۹۸۸) صادر شده و در آن این سازمان در مورد «شواهد حاکی از وقوع موج جدیدی از اعدام‌های سیاسی» در ایران ابراز نگرانی کرده، موجب از سر گرفته شدن بحثی عمومی شده است پیرامون این موضوعات که:

۱. عفو بین‌الملل تا چه میزان باور دارد که نخست وزیر وقت ایران، میرحسین موسوی، و دولت وی از کشتارهای دسته‌جمعی زندانیان در همان حالی که این وقایع از اوایل مرداد تا اواسط شهریور ۱۳۶۷ در جریان بودند، آگاه بوده است؛ و
۲. بر اساس یافته‌های عفو بین‌الملل، نقش میرحسین موسوی و دولت وی در سیاست رسمی انکار و تحریف که طی هفته‌ها و ماه‌های پس از کشتار زندانیان دنبال می‌شد تا بر حقایق مرتبط با چرایی و چگونگی اعدام‌ها و سرنوشت و محل دفن افراد قهرماً ناپدیدشده و مخفیانه کشته شده سرپوش بگذارد، چه بوده است.

عفو بین‌الملل متن حاضر را در پاسخ به سؤالاتی منتشر می‌کند که برخی از افراد جامعه و نیز خبرنگاران شاغل در شبکه‌های رسانه‌ای فارسی‌زبان از این سازمان در مورد یافته‌هایش مطرح کرده‌اند. پاسخ‌های ارائه شده در ادامه بر اساس گزارش مفصلی با عنوان [اسرار به خون آغشته: کشتار ۶۷ - جنایتی علیه بشریت که همچنان ادامه دارد](#) (از این پس [اسرار به خون آغشته](#))، که این سازمان در ۱۳ آذر ۱۳۹۷ (۴ دسامبر ۲۰۱۸) منتشر کرد و نیز بیانیه‌ی مطبوعاتی متعاقب آن، با عنوان [«تحریف حقایق کشتار ۶۷ توسط مقامات دولتی وقت»](#) که در ۲۱ آذر ۱۳۹۷ (۱۲ دسامبر ۲۰۱۸) صادر شد، مستند می‌شوند.

^۱ در تاریخ ۸ آبان ۱۳۹۹ (۲۹ اکتبر ۲۰۲۰) سازمان عفو بین‌الملل، در پاسخ به سؤالات جدید مطرح شده از سوی برخی از روزنامه‌نگاران و افراد دیگر، یک پرسش و پاسخ تکمیلی به Q&A اضافه نمود. در مدرک پیش رو، این پرسش و پاسخ جدید در قسمت ۴ آمده است. همچنین ویرایش جدید شامل اطلاعات تکمیلی است که در پانویس ۴ در صفحه ۸ آمده است.

۱. آیا میرحسین موسوی و اعضای دولت وی از ناپدیدسازی‌های قهری و کشتارهای دسته‌جمعی در همان حالی که این وقایع از اوایل مرداد ماه تا اواسط شهریور ۱۳۶۷ در جریان بودند، آگاهی داشتند؟

شواهد موجود به نگرانی‌های جدی دامن می‌زند که در مرداد ۱۳۶۷، میرحسین موسوی و اعضای دولت وی از ادعاهای جدی حاکی از وقوع جرایم و نقض حقوق بشر، از جمله ناپدیدسازی‌های قهری گسترده و اعدام‌های مخفیانه‌ی احتمالی مطلع شدند، اما در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود مطابق با قوانین بین‌المللی حقوق بشر برای صدور دستور تحقیقات و اقدام فوری به منظور آشکارسازی حقایق مرتبط با سرنوشت و محل نگهداری زندانیانی که در سراسر کشور قربانی ناپدیدسازی قهری شده بودند، مرتکب قصور شدند.

هزاران نفر از مخالفان و دگراندیشان سیاسی محبوس در زندان‌های سراسر ایران در اوایل مرداد ماه ۱۳۶۷ به نحو قهری ناپدید شدند. همانطور که در صفحات ۵۵-۶۰ از نسخه فارسی گزارش *اسرار به خون آغشته* توضیح داده شده است، در هفته‌های بعد، خانواده‌های نگران و آشفته این افراد به ارگانهای مختلف حکومتی از جمله دفتر نخست وزیری مراجعه کردند و کتباً خواهان پاسخ‌گویی در مورد سرنوشت و محل نگهداری عزیزانشان شدند، و نیز از دولت درخواست کردند که برای جلوگیری از اعدام‌ها دست به اقدامی فوری بزند. مقاماتی که این خانواده‌ها به آن‌ها مراجعه کردند یا اطلاعات بسیار اندکی در اختیارشان گذاشتند و یا به کلی از ارائه اطلاعات و حتی ملاقات با خانواده‌های نگران خودداری کردند. عفو بین‌الملل استناد می‌کند به شهادت عصمت طالبی، که همسر و برادرش را در جریان کشتارهای دسته‌جمعی از دست داده است و به یاد می‌آورد که یک بار در مرداد ماه، در دفتر نخست وزیری، یک مقام مسئول به آن‌ها گفته بود نگران نباشند چون زندانیان چپ در خطر نیستند و فقط می‌خواهند به حساب زندانیان وابسته به سازمان مجاهدین خلق برسند. (رجوع کنید به صفحه ۵۹ از *اسرار به خون آغشته*).

همان گونه که در صفحات ۱۰۱-۱۱۰ از *اسرار به خون آغشته* تشریح شده، سازمان عفو بین‌الملل اولین «فراخوان اقدام فوری» خود را در ۲۵ مرداد ۱۳۶۷ صادر نموده و با ابراز نگرانی درباره «شواهد حاکی از وقوع موج جدیدی از اعدام‌های سیاسی در ایران»، اعضا و فعالان خود را در کشورهای مختلف بسیج کرده است تا به عبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور و عضو شورای عالی قضایی، و حسن ابراهیم حبیبی، وزیر دادگستری، تلگرام، تلکس و نامه بفرستند و رونوشت درخواست‌های خود را برای نمایندگی‌های دیپلماتیک ایران در کشورهای محل سکونت خود نیز ارسال کنند.

امروزه و براساس شهادت بازماندگان با قطعیت روشن شده است که تا ۲۵ مرداد ۱۳۶۷، موج اول اعدام‌ها، که چندین هزار تن از اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق را در سراسر کشور هدف گرفته بود، تا حد زیادی پیش رفته بوده است. موج دوم اعدام‌های جمعی، که مخالفان سیاسی محبوس مرتبط با گروه‌های سیاسی چپ را هدف می‌گرفت، در این زمان هنوز آغاز نشده بود و در اوایل شهریور ماه اتفاق افتاد (ارجاع به صفحات ۱۳۷-۱۳۹ از اسرار به خون آغشته).

در سطح سازمان ملل، در ۴ شهریور و ۲۳ شهریور ۱۳۶۷ (۲۶ اوت و ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۸)، «گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل در زمینه‌ی اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه» پیغام‌هایی به وزیر امور خارجه‌ی ایران فرستاد، در خصوص «این اتهامات که از ژوئیه‌ی ۱۹۸۸ [مرداد ۱۳۶۷] شمار گسترده‌ای از زندانیان، که گفته می‌شود از اعضا یا هواداران گروه‌ها یا سازمان‌های مخالف حکومت بوده‌اند، اعدام شده‌اند و شمار دیگری در نقاط مختلف کشور در معرض خطر قریب الوقوع اعدام قرار گرفته‌اند.» ۶ مهر ۱۳۶۷ (۲۸ سپتامبر ۱۹۸۸)، «نماینده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران» نیز به همین نحو نامه‌ای برای سیروس نصری، نماینده‌ی دائم ایران در مقر سازمان ملل در ژنو، ارسال کرد و با ابراز نگرانی درباره‌ی «موج اعدام‌هایی» که گفته می‌شد در ایران در حال وقوع بوده، خواهان پاسخگویی مقامات ایرانی شد.

همان گونه که در صفحات ۱۱۰-۱۲۸ از اسرار به خون آغشته مستند شده، اسناد ثبت شده نشان می‌دهد که تا آذر ۱۳۶۷، مقام‌ها و مسئولان ایرانی هیچ پاسخ مشخصی به این مکاتبات نداده بلکه اتهامات وارد شده را کلاً رد می‌کردند، با اتکا به این ادعا که منابع ارائه‌کننده‌ی بعضی از این اطلاعات جهت‌گیری‌های سیاسی دارند. در روز ۸ آذر ۱۳۶۷ (۲۹ نوامبر ۱۹۸۸) محمدجعفر محلاتی، نماینده‌ی دائم ایران در مقر سازمان ملل در نیویورک، در جریان دیدار خود با «نماینده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران» در خصوص کشتار زندانیان در مرداد و شهریور ۱۳۶۷، وقوع اعدام‌های گسترده را تکذیب کرده و مدعی شد که «بسیاری» از جانباختگان «به واقع در میدان نبرد و در جریان منازعه نظامی و ... حمله «ارتش آزادی‌بخش ملی» [وابسته به سازمان مجاهدین خلق] به ایران کشته شده‌اند.»

۲. عفو بین‌الملل چگونه نگرانی‌های خود را در مورد کشتار زندانیان در حین وقوع‌شان از اوایل مرداد تا اواسط شهریور ۱۳۶۷ و نیز در ماه‌های پس از آن با دولت ایران در میان گذاشت؟

همان گونه که در صفحات ۱۰۱-۱۱۰ از اسرار به خون آغشته مستند شده، در فاصله ۲۵ مرداد تا ۱ دی ۱۳۶۷، عفو بین‌الملل دست‌کم ۱۸ «فراخوان اقدام فوری» صادر کرده و هر بار اعضا و فعالان خود را در کشورهای مختلف جهان بسیج کرده است که به مقام‌ها و مسئولان ایرانی تلگرام، تلکس و نامه بفرستند و رونوشت درخواست‌های خود را برای نمایندگی‌های دیپلماتیک ایران در کشورهای محل سکونت خود نیز ارسال کنند.

نگرانی‌های ابراز شده توسط جامعه‌ی جهانی به آگاهی مقامات ایرانی رسیدند. همان طور که در صفحه ۱۰۳ از *اسرار به خون آغشته* آمده است، ۱۱ آذر ۱۳۶۷، رادیو تهران به نقل سخنان علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی پرداخت که گفته بود ادعاها درباره‌ی این که هزاران مخالف سیاسی زندانی در ماه‌های اخیر اعدام شده‌اند «چیزی جز تبلیغات سیاسی نیست.» در واکنش به این انکار، عفو بین‌الملل در ۲۱ آذر ۱۳۶۷ نامه‌ای برای علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی ارسال کرده و یادآور شد که «این سازمان اسامی بیش از ۳۰۰ قربانی اعدام‌ها را ثبت کرده و بر این باور است که شمار واقعی قربانیان ممکن است به هزاران نفر برسد.» این نامه حاوی فهرست اسامی ۳۲۵ نفری بود که بنا به گزارش‌ها اعدام شده بودند و از مقام‌ها و مسئولان درخواست شده بود که اعدام شدن یا نشدن این افراد را مشخص کنند و اگر این افراد اعدام شده‌اند، جزئیاتی شامل «زمان و مکان اعدام‌ها، اتهامات مطرح شده علیه متهمان و ماهیت محاکمات و روال‌های درخواست تجدیدنظر» را در اختیار بگذارند. مقام‌ها و مسئولان ایرانی این نامه را بی‌پاسخ گذاشتند.

در آذر ۱۳۶۷ (دسامبر ۱۹۸۸) عفو بین‌الملل همچنین کارزاری تحت عنوان «واکنش سریع» به راه انداخت و از شعب و دفاتر خود در کشورهای مختلف درخواست کرد که در صدد ملاقات با مسئولان سفارت‌خانه‌های ایران در سراسر دنیا برآیند.^۲ در جریان این دیدارها در سفارت‌خانه‌ها، که در کشورهای مختلفی از جمله کانادا، فرانسه، ژاپن، هلند، نروژ، سوئد، بریتانیا، و آلمان غربی صورت گرفت، نمایندگان عفو بین‌الملل فهرست اسامی قربانیان اعدام را به مسئولان ایرانی عرضه کردند و از مسئولان درخواست کردند که در مورد هریک از اسامی درج‌شده در فهرست، مشخص کنند که تاریخ و مکان اجرای اعدام چه بوده است و آیا مقامات اجرای اعدام را به بستگان جانباخته اطلاع داده‌اند یا نه. همان طور که نقل قول‌های موجود در صفحه ۱۰۶ از *اسرار به خون آغشته* نشان می‌دهند، پاسخ مسئولان سفارت‌خانه‌های ایران، در مجموع، تکذیب و انکار بود.

عفو بین‌الملل اقدامات خود را در دی ۱۳۶۷ (ژانویه ۱۹۸۹) با نوشتن نامه‌هایی به عبدالکریم موسوی اردبیلی، (رئیس دیوان عالی کشور و عضو شورای عالی قضایی)، حسن ابراهیم حبیبی (وزیر دادگستری)، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس) و محمد موسوی خوینگی‌ها (دادستان کل) دنبال کرد. رونوشت نامه‌ها برای علی‌اکبر ولایتی (وزیر امور خارجه) و حسینعلی منتظری (قائم‌مقام رهبری) ارسال شد.

در ۹ اسفند ۱۳۶۷، نماینده‌ی دائم جمهوری اسلامی ایران در مقر سازمان ملل در نیویورک، در جوابیه‌ای به سازمان عفو بین‌الملل، نوشت: «به واقع، مقام‌ها و مسئولان جمهوری اسلامی ایران همواره وقوع هرگونه اعدام سیاسی را تکذیب کرده‌اند، اما این مغایرتی با سایر اظهارات متعاقب در تأیید اعدام جاسوسان و تروریست‌ها ندارد.» (ارجاع به صفحه ۱۰۹ از *اسرار به خون آغشته*).

^۲ فرخوان داخلی این کارزار در بایگانی عفو بین‌الملل موجود است.

۳. میرحسین موسوی و اعضای کابینه اش چگونه در زمانی که اخبار اعدام ها در سطح جهان باعث اعتراض های

گسترده شده است، در سیاست رسمی انکار و تحریف حقایق پیرامون کشتار جمعی زندانیان نقش داشته اند؟

میرحسین موسوی از آبان ۱۳۶۰ (اکتبر ۱۹۸۱) تا مرداد ۱۳۶۸ (آگوست ۱۹۸۹) نخست وزیر ایران بود. در این سمت، وی مسئولیت نظارت بر کار وزارت خانه های مختلف، از جمله وزارت دادگستری و وزارت امور خارجه، را بر عهده داشت؛ یعنی وزارت خانه هایی که در کارزارهای نامه نگاری عفو بین الملل مورد خطاب واقع شده بودند.

مقامات دیپلماتیک و سایر مقامات دولتی که کشتار زندانیان را انکار می کردند یا دست به تحریف واقعیت در مورد ابعاد، علل و شرایط کشتار می زدند (همان گونه که در صفحات ۱۱۰-۱۲۸ از *سرار به خون آغشته* مستند شده است) باید به نخست وزیری گزارش می دادند، و در تعیین سیاست خود نیز از همان مقام و از طریق وزارت امور خارجه دستور می گرفته اند. میرحسین موسوی، با توجه به مقام و موقعیتش در این زمان، مسئولیت داشته است از انجام تحقیقات در مورد گزارشات مرتبط با چنین جنایات جدی اطمینان حاصل کند. وی به همراه وزرای خود و سایر مسئولانی که کارزار حکومتی انکار و تحریف را با هدف پنهان نمودن واقعیت پیش بردند، بار مسئولیت به دوش دارند و به استمرار ناپدیدسازی های قهری هزاران قربانی یاری رسانده اند.

اقداماتی از این دست موجب استمرار رنج و عذاب بستگان و نزدیکان قربانیان شده است و به ایجاد موانع در مسیر برقراری پاسخگویی و مسئولیت پذیری و اجرای عدالت در خصوص این موارد نقض گسترده و سازمان یافته حقوق بشر، که جنایات علیه بشریت به شمار می آیند، کمک کرده است. طبق قوانین بین المللی، یک مقام مافوق را می توان در مورد اعمال زبردستان خود مسئول و پاسخگو دانست، چنان که وی از جنایات ارتکاب یافته مطلع بوده یا می بایست از آن ها آگاه بوده باشد و با این حال در جلوگیری یا توقف جنایات یا مجازات مرتکبان آن ها قصور کرده باشد.

همان گونه که عفو بین الملل در صفحات ۱۱۰-۱۲۸ از *سرار به خون آغشته* تشریح کرده، به دنبال توجه بین المللی به گزارش های مربوط به اعدام ها، مقامات ارشد و نمایندگان دیپلماتیک ایران فعالانه دست به انکار کشتارها زدند تا واقعیت آنچه رخ داده بود را از دید عموم مخفی نگاه دارند. آنها وقوع اعدام های دسته جمعی را انکار می کردند و آن را «پروپاگاندای سیاسی» می خواندند و یا ادعا می کردند که مرگ های گزارش شده در حین درگیری نظامی با نیروهای سازمان مجاهدین خلق اتفاق افتاده است. مقامات و مسئولان همچنین در پاسخ های رسمی خود به سازمان ملل متحد ادعا می کردند که برخی از قربانیان ثبت شده «جعلی» هستند و اصلاً «وجود خارجی ندارند» و یا زنده هستند و مشغول به «تحصیل در دانشگاه» یا «کار در جمهوری اسلامی ایران» می باشند، «به کشورهای خارجی پناهنده شده اند»، «در عراق اسیر جنگی هستند» و یا به «علل طبیعی فوت کرده اند». آن ها همچنین سعی می کردند با تمرکز بر حمله نظامی سازمان مجاهدین خلق به ایران در مرداد ۱۳۶۷ اذهان عمومی را از کشتار وسیع زندانیان منحرف کنند و اقدامات خود را به عنوان برخوردی ضروری و موجه با افراد دخیل در حمله نظامی جلوه دهند.

۴. در متن فراخوان اقدام فوری صادره در ۲۵ مرداد ۱۳۶۷، اشاره ای به اعدام های مخفیانه صورت گرفته در زندان های

سراسر ایران در فاصله مرداد و شهریور ۶۷ در پی فتوای محرمانه روح الله خمینی در مرداد ۶۷، یعنی اعدام هایی

که امروزه از آن ها به عنوان «کشتار تابستان ۶۷» یاد می شود، نشده است. چرا عفو بین الملل گفته است که این

فراخوان اقدام فوری در زمره فعالیت های این سازمان در خصوص کشتار ۶۷ قرار می گیرد؟

در فراخوان اقدام فوری مرداد ۱۳۶۷ نوشته شده است که «عفو بین‌الملل در خصوص شواهد مبنی بر اینکه موج جدیدی از اعدام‌های سیاسی در حال وقوع در ایران است، نگران است». لازم به یادآوری است که در زمان نگارش و انتشار این فراخوان در مرداد ۱۳۶۷، ارتباط زندان‌ها با دنیای بیرون در سراسر کشور قطع شده بود و واقعیت فجایی که در زندان‌ها با اعدام هزاران نفر از مخالفان و دگراندیشان سیاسی در حال رخ دادن بود، هنوز به اطلاع دنیای بیرون نرسیده بود. این فراخوان اقدام فوری از این جهت حائز اهمیت می‌باشد که تصویری معاصر از برخی از وقایع و تحولات آن زمان به دست می‌دهد که به نگرانی‌های خانواده‌های مخالفان سیاسی زندانی و دیگر افراد و گروه‌ها مبنی بر در جریان بودن موجی از اعدام‌های سیاسی دامن زده بود.

همان‌طور که در فراخوان اقدام فوری ۲۵ مرداد ۱۳۶۷ و همچنین در صفحه ۳۸ از اسرار به خون آغشته ذکر شده است، این تحولات نگران‌کننده شامل اعدام بیش از دوازده نفر در ملاً عام در اوایل مرداد ۱۳۶۷ در کنگاور، باختران و اسلام آباد غرب، همگی واقع در غرب ایران، به اتهام همکاری با حمله مسلحانه سازمان مجاهدین خلق ایران، و همچنین اعدام چندین زندانی چپ، بدون اطلاع قبلی به خانواده‌های ایشان در اواخر تیر ماه ۶۷ می‌شد.

امروزه و براساس دستورات رسمی و سایر مکاتبات منتشر شده در خاطرات حسینعلی منتظری، قائم مقام رهبری وقت ایران، و همچنین گزارش‌ها، شهادت‌ها، خاطرات و سایر مکتوبات فراهم آمده توسط بازماندگان، روشن شده است که رویه‌های منتهی به این اعدام‌ها از رویه‌های مرتبط با کشتارهایی که به طور مخفیانه و طبق فتوای صادر شده توسط روح‌الله خمینی در تاریخ ۶ مرداد ۶۷ یا حدود آن صورت گرفته و عمدتاً زندانیانی را هدف قرار داده است که به اعدام محکوم نشده بوده‌اند، متفاوت می‌باشد. (برای اطلاعات بیشتر درباره گروه‌های زندانیان مورد هدف کشتار، به صفحات ۵۵ تا ۵۶ و نیز صفحات ۱۳۷ تا ۱۳۸ از اسرار به خون آغشته مراجعه کنید).

اما، در دوران آشفته پس از حمله مسلحانه سازمان مجاهدین خلق در ۳ مرداد ۶۷، اعدام‌های گزارش شده در فراخوان اقدام فوری ۲۵ مرداد ۱۳۶۷، همراه با تعلیق ملاقات‌ها و سخنرانی عبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس وقت دیوان عالی کشور و یکی از اعضای شورای عالی قضایی ایران، به تاریخ ۱۴ مرداد ۶۷ که خواستار اعدام سریع مخالفان سیاسی محبوس شده بود، نگرانی‌های گسترده‌ای ایجاد کرد مبنی بر این که، چنان چه در فراخوان اقدام فوری نیز بیان شده است، موج جدیدی از اعدام‌های سیاسی در حال وقوع می‌باشد.

بنا بر همین نگرانی‌های گسترده، همان‌گونه که رینالدو گالیندو پل، نماینده ویژه سازمان ملل در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران در سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۵، در دی ماه ۱۳۶۷ گزارش داد، از اوایل مرداد ۱۳۶۷ به بعد، سازمان ملل «صدها دادخواست و نامه از افراد در سراسر جهان» دریافت کرد «که نگرانی عمیق خود در مورد ادعای وقوع موج اعدام‌ها را ابراز کرده و خواهان مداخله‌ی سازمان ملل به منظور متوقف کردن این‌گونه اعدام‌ها می‌شدند.»^۳ افرادی که این چنین ابراز نگرانی نمودند شامل نمایندگان پارلمان‌های استرالیا، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان [در آن زمان به عنوان آلمان غربی شناخته می‌شد]، ایرلند و انگلستان، و همچنین اعضای پارلمان اروپا از چندین کشور، و نیز اتحادیه‌های صنفی و مسئولان کلیساها می‌شد.

بعدتر چنین ثابت شد که این ترس‌ها و نگرانی‌ها به جا بوده‌اند.

^۳ نماینده‌ی ویژه‌ی کمیسیون حقوق بشر، گزارش دربارہی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، ۲۶ ژانویه‌ی ۱۹۸۹، UN Doc. E/CN.4/1989/26. پاراگراف ۱۵، قابل دسترس در: www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=E/CN.4/1989/26

در فراخوان اقدام فوری که دو هفته بعد در تاریخ ۱۱ شهریور ۶۷ صادر شد، عفو بین‌الملل «اعدام‌های سیاسی انجام شده طی ماه گذشته در ایران را، که بنا بر گزارش‌ها هنوز هم ادامه دارند، محکوم کرد.» عفو بین‌الملل همچنین ابراز نگرانی نمود که «ادامه ممنوعیت ملاقات خانوادگی برای زندانیان سیاسی ... به این ظن دامن زده است که ممکن است صدها زندانی سیاسی اعدام شده باشند.»

فراخوان‌های اقدام فوری ۲۵ مرداد و ۱۱ شهریور ۶۷ در کنار هم نشان می‌دهند که نگرانی‌ها در خصوص موج اعدام‌های سیاسی در زندان‌های سراسر کشور درست در همان حالی که این جنایات فجیع در حال وقوع بوده‌اند، با مقامات عالی دولتی و قضایی مطرح شده و این مقامات تحت قوانین بین‌المللی موظف بوده‌اند از تحقیق و بررسی و رسیدگی به چنین نگرانی‌هایی اطمینان حاصل نمایند.

چنانچه پیشتر نیز ذیل سوال دوم این پرسش و پاسخ و همچنین در صفحات ۱۰۱-۱۱۰ / اسرار به خون آغشته به تفصیل ذکر شد، عفو بین‌الملل ۱۶ فراخوان اقدام فوری دیگر را نیز در فاصله مهر ماه تا دی ماه ۶۷ به علاوه یک بیانیه مطبوعاتی همراه با یک گزارش صادر کرد. این اسناد تاریخی نشان می‌دهند که چگونه در آن زمان عفو بین‌الملل اطلاعات مرتبط با اعدام هزاران مخالف سیاسی و دفن مخفیانه اجساد در گورهای جمعی بی‌نشان را به تدریج ثبت و مستندسازی کرده است. عفو بین‌الملل تأکید می‌کند که هنگام تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به همدستی مسئولین و مقامات دولتی وقت در سیاست رسمی پنهانکاری، انکار و تحریف، این اسناد بایست به طور کامل در نظر گرفته شده و همراه با سایر مدارک مستند که در فصل ۶ اسرار به خون آغشته ارائه شده‌اند، مورد مطالعه قرار بگیرند.

۵. در ویدئو کلیپ مصاحبه تلویزیون ملی اتریش (ORF) با میرحسین موسوی، پرسش خبرنگار درباره اعدام‌ها به خاطر صدای آلمانی‌زبان که توسط ORF روی صدای خبرنگار قرار گرفته است، قابل شنیدن نیست. عفو بین‌الملل از کجا می‌داند که از میرحسین موسوی در مورد اعدام‌های مرداد و شهریور ۱۳۶۷ پرسش شده است؟

در همراهی با سیاست انکار و تحریف فوق‌الذکر، میرحسین موسوی در مصاحبه خود با تلویزیون ملی اتریش (ORF) در آذر ۱۳۶۷ (دسامبر ۱۹۸۸)، پس از مورد سوال قرار گرفتن در مورد اعدام‌ها، از افشای واقعیت در مورد آن چه اتفاق افتاده بود خودداری می‌کند و با تحریف علل و شرایط اعدام‌ها، ظاهراً تلاش می‌کند که اقدامات صورت گرفته را به مثابه واکنشی مشروع در برابر یک حمله نظامی جلوه دهد.

تلویزیون ملی اتریش (ORF) ویدئو کلیپ این مصاحبه را در اختیار سازمان عفو بین‌الملل قرار داده است. طول این ویدئو چهار دقیقه و ده ثانیه است. در ۲۱ آذر ۱۳۹۷ (۱۲ دسامبر ۲۰۱۸)، سازمان عفو بین‌الملل آن بخش از مصاحبه که حاوی ارجاع این رسانه به موارد نقض حقوق بشر و اعدام‌ها (که در دقیقه دو و ۳۰ ثانیه ویدئو آغاز می‌شود) و اظهارات میرحسین موسوی در این باره بود را در وبسایت خود منتشر کرد.

طبق اطلاعات دریافت شده از ORF، مصاحبه نخستین بار در ۲۲ آذر (۱۳ دسامبر ۱۹۸۸) در برنامه ای با نام Auslandsjournal (ژورنال امور خارجه) پخش شد. خبرنگار ORF مصاحبه را به زبان انگلیسی پیش می‌برد، اما بعدتر در زمان پخش، این رسانه صدای آلمانی زبان روی آن گذاشته است. پس از این که سازمان عفو بین‌الملل این ویدئو را از ORF دریافت کرد، این شبکه به عفو بین‌الملل اطلاع داد که ویدیوی خام مصاحبه بدون صدای آلمانی در آرشیویشان موجود نیست.

از این جهت که سایر بخش‌های مصاحبه به موضوعات غیرمرتبط با نگرانی‌های این سازمان می‌پردازد، عفو بین‌الملل فقط بخشی از این ویدیو کلیپ را به صورت آنلاین در دسترس قرار داد که در آن ارجاع این رسانه به گزارشات نقض حقوق بشر و اعدام‌ها شنیده می‌شود و گفته می‌شود که میرحسین موسوی به «اتهامات مربوط به اعدام‌ها» پاسخ می‌دهد. عفو بین‌الملل این بخش را دقیقاً به همان صورتی منتشر کرده است که دریافتش کرده بود و تنها به آن زیرنویس انگلیسی و فارسی اضافه کرده است. ترجمه انگلیسی کل مصاحبه چهار دقیقه و ده ثانیه‌ای در انتهای این متن در پیوست شماره ۱ موجود است.

در این ویدئو، در دقیقه ۲:۳۰، دوبله آلمانی اظهار می‌کند: «گزارش‌های جدید درباره نقض حقوق بشر به طور حتم سبب فرونشاندن درد دوری بسیاری از ایرانیان خارج کشور می‌شود.» بعد، صدای دوبله به آلمانی اشاره می‌کند که آنچه پس از این خواهیم شنید، اظهارات «نخست وزیر پیرامون اتهامات مربوط به اعدام‌ها» است.^۴ ویدئو سپس سخنان میرحسین موسوی را پخش می‌کند:

«ما مشکلی که در رابطه با افکار عمومی در غرب داریم این هست که [برداشت آن‌ها از حقوق بشر] با این جامعه فرق دارد. حقوق بشر واقعا باید تعریف بشود. به طور مثال مسلمانانی که الان در فلسطین با اسلحه و فشنگ اسرائیل کشته می‌شوند، ما می‌گوییم در آنجا حقوق بشر نقض شده است. برعکس، ملتی که در میان طوفانی از حوادث، توطئه‌ها و فشارهای مختلف به پا می‌خیزد و از خودش دفاع می‌کند و بر علیه دشمنانش می‌جنگد و طبیعتاً دنبال یک اصالتی هم هست، ما این را می‌گوییم دفاع از حقوق بشر و این را مخالف حقوق بشر نمی‌دانیم.

یکی از مواردی که به ما ایراد گرفته شده است، در رابطه با همین عملیات مرصاد است. در این عملیات عده‌ای از مجاهدین، که ما به آنها می‌گوییم منافقین به خاطر اینکه سیاست‌های دورویانه دارند، به مردمشان دروغ می‌گویند، به خاطر اینکه در داخل کشور ما به قتل و غارت‌های زیادی دست زدند، و دست در دست صدام گذاشتند و حمله کردند که باختران را بگیرند و به سمت تهران بیایند. آنها نقشه‌هایی برای کشتار داشتند. خب ما آنها را سرکوب می‌کنیم. ما چه کار می‌کردیم؟ آیا دروازه‌های شهرهایمان را بر روی آن‌ها باز می‌کردیم؟ تهران را دروازه‌هایش را باز می‌کردیم که بیایند به اصطلاح آنجا حضور پیدا کنند، آدم بکشند؟ ما در این زمینه‌ها هیچ نوع گذشتی نداریم و نظام ما به خودش حق نمی‌دهد که از خودش دفاع نکند و برخورد قاطع نداشته باشد.»

در زمان مصاحبه در آذر ۱۳۶۷، تنها موارد اعدام در ایران که در مرکز توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار داشتند، کشتارهای زندانیان در مرداد و شهریور ۱۳۶۷ بودند. این به دلیل تلاش خستگی‌ناپذیر خانواده‌های جانباختگان در ایران و فعالان سیاسی در تبعید در خارج از کشور بود، و همین‌طور شماری گزارشات تکان‌دهنده توسط عفو بین‌الملل، از جمله حداقل ۱۵ اقدام فوری صادر شده در آبان و آذر ۱۳۶۷ و نیز بیانیه مطبوعاتی با عنوان *بزرگترین موج اعدام‌های سیاسی در ایران از اوایل دهه ۱۹۸۰*، که به همراه یک گزارش تحقیقی در اوایل دسامبر به رسانه‌ها فرستاده شد و در ۱۳ دسامبر (۲۲ آذر) منتشر شده بود؛ و در آخر قطعنامه‌ای که در ۱۷ آذر ۱۳۶۷ (۸ دسامبر ۱۹۸۸) توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد و ابراز «نگرانی شدید [کرد] ... در این مورد که موج جدیدی از اعدام‌ها طی جولای تا سپتامبر ۱۹۸۸ اتفاق افتاده است که به موجب آن تعداد کثیری از افراد صرفاً به خاطر عقاید سیاسی خود جان خویش را از دست داده‌اند.»

^۴ در تاریخ ۱ دی ۱۳۶۷، روزنامه *اطلاعات*، از رسانه‌های وابسته به حکومت، از این مصاحبه گزارشی تهیه کرده و متن آن را به زبان فارسی منتشر ساخت. با این حال این متن منتشره آن‌چه را که در فیلم تلویزیون ملی اتریش شنیده می‌شود، به طور کامل منعکس نکرده و هرگونه اشاره به «اتهامات مربوط به اعدام‌ها»، که به گفته تلویزیون ملی اتریش، میرحسین موسوی درباره‌شان اظهار نظر کرده است، را حذف می‌کند. در مقاله *اطلاعات*، سوالی که از میرحسین موسوی پرسیده شده به این عنوان گزارش شده است: «نظر شما در مورد اتهامات مطبوعات غربی در خصوص نقض حقوق بشر در ایران چیست؟» در سال ۲۰۱۱، این مقاله تاریخی روزنامه *اطلاعات* پس از گزارش بنیاد عبدالرحمان برومند با عنوان *قتل عام زندانیان سیاسی در ایران، گزارش تحقیق از تحقیق جفری رابرتسون*، ۱۸ آوریل ۲۰۱۱، مجدداً مورد توجه قرار گرفت.

۶. عفو بین الملل درباره نقش و مسئولیت میرحسین موسوی و دولت وی در کشتار ۶۷ چه گفته است؟

موضع عفو بین الملل به طور پیوسته این بوده است که میرحسین موسوی و دولت وی به جای صدور دستور تحقیقات به منظور حصول اطمینان از پاسخگویی و آشکار کردن حقایق در مورد چرایی و چگونگی اعدام‌ها و محل گورهای دسته‌جمعی حاوی بقایای قربانیان، سیاست رسمی انکار و تحریف واقعیات اعدام‌های جمعی را پی گرفتند و در پنهان کاری مداوم در مورد چرایی و چگونگی ناپدیدسازی‌های قهری و اعدام‌های صورت گرفته و مخفی نگه داشتن سرنوشت و محل دفن افراد قهرماً ناپدید شده و مخفیانه کشته شده، شریک شدند.

میرحسین موسوی به عنوان یک مقام ارشد دولتی موظف بود اطمینان حاصل کند که اتهامات مبنی بر اعدام‌های فراقانونی، ناپدیدسازی‌های قهری، شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی مورد بررسی قرار گرفته و از بستگان جانب‌اختگان و بازماندگان به طور مؤثر و مطابق با موازین بین‌المللی جبران خسارت شود. تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر، قصور و خودداری از انجام تحقیقات در خصوص موارد نقض جدی حقوق بشر خود یک نقض جداگانه و مضاعف حقوق بشر به شمار می‌آید.

بسیار اهمیت دارد تأکید کنیم که در فضای پس از کشتارهای سال ۱۳۶۷، قصور مقامات ارشد دولتی در بررسی و آشکارسازی حقایق، صرفاً موجب تقویت مصونیت آمران و عاملان از مجازات و عدم پاسخگویی نشده است؛ بلکه در عین حال تداوم ارتکاب جرم ناپدیدسازی قهری علیه بستگان جانب‌اختگان را ممکن کرده است، جرمی که با گذشت سه دهه از کشتارهای ۶۷ همچنان در ابعاد گسترده و سازمان‌یافته ادامه دارد و جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

۷. آیا عفو بین الملل ابراز کرده است که میرحسین موسوی باید در رابطه با کشتارهای زندانیان ۱۹۸۸ مورد

تحقیقات کیفری و بازخواست قرار گیرد؟

هم‌راستا با اصول تثبیت‌شده‌ی حقوق بین‌الملل کیفری، عفو بین‌الملل اظهار کرده است که تحقیقات و محاکمه‌های کیفری نباید صرفاً به کسانی محدود شود که دستور کشتار زندانیان را صادر کرده‌اند، یا در برنامه ریزی یا اجرای آن نقش داشته‌اند، بلکه همچنین باید کسانی را در بر گیرد که مظنون به تبانی، معاونت و مساعدت، یا هرگونه یاری‌رسانی یا تسهیل کشتار زندانیان در مرداد و شهریور ۱۳۶۷ و متعاقب آن، پنهان کاری ادامه‌دار در خصوص چرایی و چگونگی اعدام‌ها، سرنوشت قربانیان و محل دفن آن‌ها، هستند. به علاوه مقامات عالی‌رتبه که اطلاع داشتند یا بایست اطلاع می‌داشتند که زیردستان ایشان مرتکب جرم می‌شوند یا در صدد ارتکاب جرم هستند اما با این حال کلیه اقدامات منطقی و لازم را در حد توان و ظرفیت‌شان برای جلوگیری، توقف یا مجازات جرم انجام ندادند. بر اساس این همه، میرحسین موسوی به‌عنوان نخست وزیر وقت، در مجموعه‌ی چنین مظنونینی قرار می‌گیرد.

عفو بین‌الملل علاوه بر انجام تحقیقات و برگزاری محاکمه‌های کیفری، خواستار ایجاد یک کمیسیون حقیقت‌یاب بی‌طرف، مستقل و توانا و یا یک سازوکار تحقیقاتی مناسب دیگر شده است تا حقایق مرتبط با ناپدیدسازی‌های قهری و اعدام‌های فراقانونی مرداد و شهریور ۱۳۶۷ را روشن سازد و مختار و قادر باشد که مقامات فعلی و سابق ایران را به شهادت در این موارد وادار کند.

۸. چرا عفو بین الملل بیش از کسانی که مظنون به دخالت مستقیم در اعدام‌های دسته‌جمعی هستند، بر میرحسین

موسوی تمرکز دارد؟

عفو بین الملل تمرکز ویژه‌ای روی میرحسین موسوی نکرده است.

در حقیقت، در گزارش اسرار به خون آغشته و سایر مطالب این سازمان در خصوص کشتار ۱۳۶۷، این سازمان نقش حاکمان شرع، دادستان‌های کل، معاونان دادستان‌ها و نماینده‌های وزارت اطلاعات را که در «هیأت‌های مرگ» حضور داشتند، به طور مفصل ثبت و تحلیل کرده است و از جمله به افراد زیر که در «هیأت‌های مرگ» عضویت و مشارکت داشته‌اند و امروز صاحب منصب‌های بلندپایه در قوه‌های قضائیه و مجریه هستند، پرداخته است:

- **علیرضا آوایی**، وزیر فعلی دادگستری، که دادستان کل دزفول در استان خوزستان بود و مأمور شده بود که در «هیأت مرگ» آن شهر مشارکت کند.
- **حسینعلی نیری**، که به عنوان حاکم شرع در «هیأت مرگ» شهر تهران حضور داشت، در سال ۱۳۶۸ به معاونت رئیس دیوان عالی کشور رسید و تا شهریور ۱۳۹۲ در این مقام باقی ماند. نیری بعداً به ریاست دادگاه عالی انتظامی قضات رسید و در حال حاضر همین منصب را در اختیار دارد.
- **ابراهیم رئیسی**، که معاون دادستان کل تهران در سال ۱۳۶۷ و یکی از اعضای «هیأت مرگ» در این شهر بود، از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ دادستان کل تهران، از ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ معاون اول رئیس قوه قضائیه و از ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ دادستان کل کشور بوده و در حال حاضر رئیس قوه قضائیه است.
- **مصطفی پورمحمدی**، که در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ وزیر دادگستری کشور بود و نمایندگی وزارت اطلاعات در «هیأت مرگ» در تهران را بر عهده داشت.
- **محمدحسین احمدی**، که حاکم شرع استان خوزستان در سال ۱۳۶۷ و از اعضای «هیأت مرگ» در این استان بود و در حال حاضر عضو «مجلس خبرگان» است، نهادی که به حکم قانون اساسی تشکیل شده و اختیار نصب و عزل رهبر کشور را دارد.

همانطور که پیش از این بیان شد، آمران و عاملان کشتار ۶۷ تنها افرادی نیستند که باید در این رابطه مورد تحقیقات کیفری قرار گیرند. با توجه به امتناع مداوم مقامات ایران از افشای چرایی و چگونگی اعدام‌ها و روشن کردن سرنوشت کشته‌شدگان و محل دفن بقایای آنان، تمامی مقامات سابق و فعلی کشور که در ایجاد فضای پنهان‌کاری و انکار سهیم بوده‌اند و به این ترتیب به تداوم ارتکاب جرم ناپدیدسازی قهری علیه هزاران جانباخته و خانواده‌هایشان کمک کرده‌اند، باید در مورد اقدامات خود مورد پرسش و تحقیق قرار گیرند.

۹. عفو بین‌الملل در مورد حصر خانگی میر حسین موسوی چه کرده است؟

از سال ۲۰۱۱ میلادی، عفو بین‌الملل به طور مداوم در مورد نقض حقوق بشر توسط مقامات ایرانی علیه میر حسین موسوی، همسرش زهرا رهنورد و مهدی کروبی، ابراز نگرانی کرده است؛ از جمله در کلیه گزارش‌های سالانه خود از سال ۲۰۱۱، چندین فراخوان اقدام فوری، بیانیه‌های عمومی و اطلاعیه‌های مطبوعاتی، و نیز گزارش‌هایی به مکانیسم‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد، که آخرین آن‌ها گزارش به کمیته حقوق بشر سازمان ملل در آگوست ۲۰۲۰ بوده است. عفو بین‌الملل همچنان از مقامات ایرانی می‌خواهد که فوراً به حبس خانگی خودسرانه این سه نفر پایان بخشند و از محصورین به طور مؤثر جبران خسارت کنند.

پیوست ۱ – متن کامل مصاحبه تلویزیونی ملی اتریش با میر حسین موسوی در آذر ۱۳۶۷ به زبان‌های آلمانی و انگلیسی

آلمانی	انگلیسی
--------	---------

<p>ORF 00:00-00:10</p> <p>Für den Regierungschef soll es beim Wiederaufbau politisch eng werden, sagt man in Teheran. Er gilt als Vertreter der staatlichen Handelskontrolle. Musavis Vorlagen werden öfter im Parlament blockiert.</p>	<p>They say in Tehran that reconstruction will be politically difficult for the head of government. He is regarded as a supporter of trade control by the state. <i>Mousavi's</i> bills are often blocked in parliament.</p>
<p>Mousavi 00:10-01:19</p> <p>Bei den Gesetzesvorlagen der Regierung gab es zwischen dem Expertenrat und dem Parlament Meinungsverschiedenheiten.</p> <p>Jetzt haben wir Mechanismen geschaffen, mit denen wir Reibungsverluste zwischen Exekutive und Legislative vermeiden können. Juristische Experten bereinigen Probleme der Auslegung im Sinne des Islams.</p> <p>Andere Probleme im Bereich der Verwaltung können wir bald besser definieren.</p> <p>Ähnliche Probleme haben wir bei Ministerbesetzungen, die vom Parlament gebilligt werden müssen.</p> <p>Drei Instanzen sind eingeschaltet: der Präsident, der Premier und die Madschlis. Das erschwert Entscheidungen, dafür müssen wir eine Lösung finden.</p> <p>Bis jetzt konnten solche Streitfälle durch die Intervention des Imams geschlichtet werden. Doch für die Zukunft müssen wir nach einer tragfähigen und beständigen Lösung suchen.</p>	<p>There have been disagreements about the government's bills between the expert council and parliament.</p> <p>Now we have created mechanisms to avoid frictional losses between the executive and the legislative. Legal experts are resolving problems of interpretation in line with Islam.</p> <p>We will soon be able to better define other administrative problems.</p> <p>We have similar problems with the appointments of ministers, who must be approved by parliament.</p> <p>Three bodies are involved: the president, the prime minister and the Majles [Iranian Parliament]. This makes decisions more difficult, and for that, we must find a solution.</p> <p>Until now, any such disagreements have been resolved through the intervention of the Imam [Iran's then Supreme Leader Rouhollah Khomeini]. But in the future, we must look for a viable and lasting solution.</p>
<p>ORF 01:19-01:30</p> <p>Ohne Reform der politischen Kultur wird Irans Wiederaufbau nur schwer vorankommen. Auch der Ruf nach jenen Exiliranern wird lauter, die man als Fachkräfte dringend braucht.</p>	<p>Without a reform of the political culture, Iran's reconstruction will be difficult. The call for Iranians living in exile, who are urgently needed as skilled workers, also becomes louder.</p>
<p>Mousavi 01:30-01:59</p> <p>Wir begrüßen die Rückkehr der Spezialisten. Der Krieg verhinderte leider die Heimreise der Experten. Ich muss aber sagen, dass die Mehrzahl geblieben ist und viel Arbeit geleistet hat.</p>	<p>We welcome the return of specialists. Unfortunately, the war prevented the experts from returning. However, I must say that the majority remained and carried out a great deal of work.</p> <p>Our people respect the experts who have remained, but the population also welcomes the return of experts from exile – except for those who committed serious crimes.</p>

<p>Unser Volk achtet daher die Experten, die geliebt sind. Aber die Bevölkerung begrüßt auch die Rückkehr der Experten aus dem Exil – ausgenommen jener, die schwere kriminelle Verbrechen begangen haben.</p>	
<p>Mousavi 01:59-02:30</p> <p>Wir veranstalten jetzt viele wissenschaftliche Seminare und Konferenzen. Wir werden das Forschungsbudget erhöhen.</p> <p>Ich habe eben in der Wirtschaftskommission vorgeschlagen, dass man zwei Prozent des Inlandsbruttosozialprodukts für Forschung aufwenden soll. Damit unsere Landsleute im Ausland ermuntert werden, ihre Forschungstätigkeit zu Hause fortzusetzen.</p>	<p>We are now organizing many scientific seminars and conferences. We will increase the research budget.</p> <p>I have just suggested to the Economic Commission that two percent of the domestic gross national product is spent on research. This is to encourage our fellow citizens abroad to continue their research at home.</p>
<p>ORF 02:30-02:39</p> <p>Neue Berichte über Menschenrechtsverletzungen dämpfen sicherlich das Heimweh vieler Iraner im Ausland. Der Premier zu den Hinrichtungsvorfällen:</p>	<p>New reports of human rights violations are certainly dampening [feelings of] homesickness for many Iranians abroad. The prime minister on accusations of executions:</p>
<p>Mousavi 02:40-04:10^a</p> <p>Das Problem, das wir mit der öffentlichen Meinung im Ausland haben, liegt daran, dass es wohl unterschiedliche Interpretationen der Menschenrechte gibt.</p> <p>Was den Palästinensern widerfährt – ist das keine Menschenrechtsverletzung?</p> <p>Andererseits kann man ein Volk, das die Revolution verteidigt – wobei manche zu Schaden kommen – auch als Verteidiger der Menschenrechte bezeichnen.</p> <p>Ich glaube, dass wir für die dritte Welt überhaupt die Menschenrechte neu definieren müssen.</p> <p>Wobei ich betone, dass wir natürlich auf Seiten der Menschenrechte stehen.</p>	<p>The problem that we have with public opinion in the West is that [their interpretation of human rights] is different from [the one] in this [Iranian] society. Human rights must be really defined.</p> <p>For example, [take] the [situation of] Muslims who are currently being killed in Palestine by Israeli arms. There, we state that human rights have been violated.</p> <p>On the contrary, when it comes to a people who rises up amid a storm of events, conspiracies and various pressures, defends itself, fights against its enemies, and is naturally also after an originality, we call this defending human rights, and we don't consider this to be against human rights.</p>

^aDespite the German voiceover, it is possible to hear Mir Hossein Mousavi's original words in Persian in this segment. In order to ensure full accuracy, Amnesty International has not used the German translation of Mir Hossein Mousavi's response, as provided in the video, but rather identified his own original words in Persian and then translated those into English.

Was man uns jetzt zum Vorwurf macht, das sind unsere Maßnahmen gegen die militärischen Attacken der Mujaheddin, die wir Heuchler nennen, weil sie zwei Gesichter haben.

Diese Leute haben in unserem Land Verbrechen begangen und vieles kaputtgeschlagen. Sie haben mit dem Irak gemeinsame Sache gemacht und versucht, uns anzugreifen.

Sie wollten Teheran angreifen und sie haben Attentate vorbereitet. Natürlich haben wir sie bekämpft. Was sollten sie sonst tun? Hätten wir ihnen Tür und Tor öffnen sollen? In solcher Hinsicht kennen wir kein Pardon. Das heißt: Unser Staat hat die Pflicht, sich zu verteidigen.

One of the issues we have been criticized for is related to the Mersad Operation [the name of Iran's counter-insurgency operation against the PMOI armed incursion of July 1988]. In this operation, a number of Mojahedin [PMOI members], whom we call monafeqin [hypocrites], because they are two-faced and lie to their people, and because they have committed murder and pillage in our country, worked hand in hand with Saddam [Hussein, Iraq's former president] to wage an attack to conquer Bakhtaran [in Kermanshah province, western Iran] and move towards Tehran.

They had plans to carry out killings. Well, we repressed them. What else should we have done? Should we have opened the gates of our cities to them? Should we have opened the gates of Tehran so they could establish a presence and kill people? In this context, we have no mercy and our system does not deprive itself of the right to defend itself and take decisive action.